



ادب و هنر  
بهشت‌مرویت

بلغ العبد العبد بالجماله  
بلغ العبد العبد بالجماله  
که به کتب اهل بیت علیهم السلام  
حسنی چنانچه در حدیث آمده است  
حسنی چنانچه در حدیث آمده است

# ای نمانود شکیردم

اشاره:

تاثیر عمیقی که ظهور اسلام و وجود مبارک رسول اعظم بر ادبیات فارسی گذارد، به راستی غیر قابل انکار است. این مقاله در پی آن است تا نگاهی اجمالی به این تاثیر شگرف داشته باشد.

## ادبیات در اسلام

در طول تاریخ اسلام، فصاحت و بلاغت و توجه به جنبه های ادبی، جلوه ای خاص داشته است و بلا استثنا همه سخنوران، شاعران و نویسندگان که اثر جاودانه ای خلق کرده اند، رعایت اصول ادبی را سرلوحه کار خود قرار داده اند. حتی متن قرآن کریم نیز از لحاظ ادبی یک معجزه به شمار می رود و قوت و غنای آن در زیبایی و رسایی، هر





در شعر فارسی  
زبانان غیر ایرانی هم طبع  
خود را در این زمینه آزمودند  
که از آن میان می توان به  
علاقه اقبال لاهوری اشاره کرد  
که در قرن ۱۳ و ۱۴ می زیست  
و آثارش تاثیری شگرف بر  
ملت خود و ملل فارسی  
زبان نهاد.

در ترجمه فارسی  
سیره ابن هشام سی باب  
وجود دارد که هر باب در مورد  
یکی از عناوین مربوط به پیامبر  
است.  
اوج توصیف ها و مدایح نبوی،  
در آثار منظوم و منثور قرن  
پنجم و ششم هجری قمری  
به چشم می خورد.

توجه به زیبایی کلام و فن سخن گفتن و نوشتن به شیوه‌ای جذاب، در عصر حاضر نیز کاربرد خود را از دست نداده است. در میان متفکران و روشنگران امروز هم گونه های مختلف ادبی جایگاه خود را دارند و تاثیرشان را با وجود گسترش تمام رسانه‌ها (همچون رادیو، تلویزیون، سینما و اینترنت) حفظ کرده اند. زیرا پایه و اساس این رسانه ها نیز ادبیات است و نیاز به فصاحت و بلاغت همیشه و در همه جا احساس می شود. اگر بپذیریم که به گفته مارشال مک لوهان، «رسانه همان پیام است»، ارزش رعایت اصول و فنون ادبی توسط گوینده یا نویسنده در ادبیات یک رسانه، بیشتر و بهتر آشکار می گردد.

اکثر متفکران عصر حاضر، اهمیت ادبیات را دریافته اند، به نحوی که به گفته استاد محمد رضا حکیمی: «یک عرضه ادبی استادانه، صورت یک مکتب فلسفی یافته است و بسیار تاثیر نموده و طرفدار پیدا کرده است... متفکران و داعیه داران این قرن نیز از اهمیت ادبیات و کیفیت سخن و بهره برداری از آن غفلت نکرده اند. پیروان مکاتب جدید، همواره کوشیده اند تا افکار خویش را از طریق خلق آثار ادبی (شعر، داستان و نمایشنامه و...) نشر دهند. علت عمده نفوذ این مکاتب، ادبیات آن مکاتب است، نه ابتکار، اصالت یا عمق تفکر آنها».

#### تحمید به وستایش در ادبیات فارسی

از زمان عرضه دین اسلام به ایران و ایرانیان، آنها که خود طبعی لطیف و شاعرانه داشتند، با وارد

می داشتند. در حدیثی معتبر از ایشان نقل است که «الشعراء امراء الکلام»؛ یعنی شاعران، امیران و پادشاهان سخنند. و در حدیثی دیگر فرموده اند: «خدا را در زیر آسمان گنجهایی است که زبان شاعران کلیدهای آن گنجهایند». چنان که مولانا جلال الدین رومی می گوید:

هم امارت هم زبان دارم کلید گنج عرش  
وین دو دعوی را دلیل است از حدیث  
مصطفی ﷺ

در تاریخ صدر اسلام نیز آمده است که کعب بن زهیر، شاعر معروف جاهلی در هنگام اسلام آوردن، قصیده زیبایی در ستایش وجود مبارک حضرت رسول ﷺ سرود و ایشان ضمن تحسین وی عبا مبارک خود را برای تشویق به دوش او انداختند و این قصیده به اعتبار این هدیه، قصیده بُردیه (بُرد به معنی عبا) نامیده شد.

#### تاثیر ادبیات در جاودانگی روح دین

به واقع نیز لفظ زیبا، عنصر نفوذ و بقاست و معنا بدون لفظ مناسب هرگز نمی تواند رسالت انتقال پیام را به درستی به انجام، یا بهتر بگوییم، سرانجام، برساند. زیباپسندی، ودیعیای از جانب خداوند است که در ضمیر انسان نهاده شده است. از این رو، بنابر فطرت، هر انسانی اگر سخنی زیبا بشنود یا بخواند، در او تاثیر عمیقی خواهد داشت. از سده های اول پس از هجرت تا کنون، آثاری ماندگار و نامیرا شده اند که غنای ادبی بیشتری نسبت به دیگر متون دینی و مذهبی داشته اند.

انسانی را که تا حدی با هنرهای ادبی سر و کار داشته باشد به وجد می آورد. البته کمال قرآن تنها به زیبایی صورت و ظاهر کلام نیست، که سخن، سخن خداوند است و خداوند عین زیبایی، بلکه در معنائیز چنان عمیق و جان نشین است که هرگز ماندی در ادبیات عرب نداشته و ندارد. موجب افتخار مسلمانان است که معجزه ختم نبوت، کتابی است در غایت زیبایی در ادبیات و هنر و در بیان محتوایی جان نشین. چنین است که نام و سیره پیامبر ﷺ، چون معجزه بی مانند و بدون تحریفش، تا ابد بر دل و جان جهانیان نشسته است.

در سخن رسول اکرم ﷺ و دیگر پیشوایان و ائمه هدی نیز هیچ گونه ضعف و سستی در ساختار ادبی و یا در فصاحت و بلاغت مشاهده نمی شود. ایشان نیک می دانستند که در ارشاد و هدایت مردم، باید اصل جاذبه را در نظر گرفت. از این روست که حتی به روایان سخن خود نیز تاکید می کردند که کلامشان را درست و فصیح نقل کنند. امام صادق (ع) می فرمایند:

«سخن ما را به صورت درست نقل کنید، واژه های آن را صحیح تلفظ کنید و بر طبق دستور زبان، زیرا ما خود فصیحیم و درست سخن می گوییم.»  
شخص پیامبر اعظم ﷺ، بسا این که خود شاعر نبودند، اما شعر و شاعران و ادیبان را دوست

ساختن علقه‌ها و مراتب ستایش و احترام خود نسبت به رسول اکرم ﷺ و دیگر امامان معصوم، غنای ادبی خود را بیشتر کرده، گونه‌ای ادبی به نام ادبیات مذهبی بنیان نهادند که بعدها شاکله اصلی ادبیات فارسی شد. در این میان حمد و سپاس آفریدگار در آغاز کلام و نوشته‌ی همه بزرگان، به تاسی از آغاز قرآن، که حمد و ستایش خداوند در سوره فاتحه‌الکتاب آمده است، جایگاهی ویژه یافت.

تحمیدیه در لغت به معنی مبالغه کردن در حمد و نیک ستودن و پی در پی ستایش کردن است و در اصطلاح علوم ادبی به معنی بسیار حمد گفتن برای خدا و ذکر نام و ادای احترام نسبت به پیامبر اسلام و بزرگان دین، در صدر خطبه‌ها و دیباچه‌های کتاب‌هاست.

تحمیدیه‌ها در زبان فارسی هم منثورند و هم منظوم. در میان آنها البته سخن عارفان رنگ و بوی دیگری داشته، نشان از شور و عشق نسبت به رسول رحمتی که سرور کائنات است و کاملترین انسان‌هاست، دارد. ستایش پیامبر در ادب فارسی، تاثیر اخلاقی و تربیتی عمیقی بر مخاطب داشته و دارد، چرا که در آن‌ها ذکر فضایل اخلاقی، آداب و سنن، فداکاری‌ها و مجاهدتها و محبت ایشان به امت خود آمده است.

#### ستایش پیامبر در شاهکارهای ادبیات فارسی

اکثر قریب به اتفاق شعرا و نویسندگان فارسی زبان در نعت رسول اکرم ﷺ و ستایش ایشان سخن گفته و مطلب نوشته‌اند. اوج توصیف‌ها و مدایح نبوی، در آثار منظوم و منثور قرن پنجم و ششم هجری قمری به چشم می‌خورد. در شعر، شاعرانی چون جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، سنایی غزنوی و خاقانی شروانی، و در نثر، قابوسنامه عنصر المعالی کیکاووس، کیمیای سعادت غزالی و ترجمه کليلة و دمنه ابوالمعالی نصرالله منشی از نمونه‌های با ارزش این دو قرن هستند. در این اشعار و نوشته‌ها، ستایش رسول

منحصر به ظاهر ایشان نیست، بلکه زندگی فردی و اجتماعی، محبوبیت او در درگاه پروردگار عالم و نظرگاه عالمیان، رفتار و کردار و منش مهرورزانه ایشان نیز مورد تاکید و اشاره قرار گرفته است.

ادبا نیز به تبعیت از قرآن کریم که می‌فرماید: «ما تو را نفرستادیم مگر به عنوان کسی که برای تمام جهانیان مظهر مهر و رافت باشی»، مهربانی ایشان را در آثار خود بیش از سایر صفات جلوه‌گر ساخته‌اند.

#### تأثیر فرهنگ اخلاقی و تربیتی رسول الله ﷺ بر ادبیات فارسی

گذشته از ستایش پیامبر، روش‌ها و توصیه‌های اخلاقی و تربیتی ایشان نیز سرلوحه محتوایی آثار ادبی فارسی زبانان قرار گرفته است. به نحوی که حتی در امثال و حکم منظوم و منثور فراوانی هم جلوه یافته است، اندکی مطالعه در این زمینه به واقع این امر را می‌نمایاند. ذکر دو نمونه در این جا خالی از لطف نیست:

#### رسول خدا ﷺ:

دروغ باعث روسیاهی و رسوایی می‌شود.

□

هر آن کس که باشد دروغ آزمای نکوئیده باشد به نزد خدای

کند روی، هر دم دروغش سیاه سوی قعر دوزخ نمایدش راه

رخ مرد را تیره دارد دروغ فردوسی

□

به صدق کوش که خورشید زاید از نفست که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

حافظ

□

#### رسول خدا ﷺ:

بلا و گرفتاری آدمی از زبان است.

□  
مرد خاموش در امان خداست  
آدمی از زبان خود به بلاست  
بلائی آدمی باشد زبانش  
که در وی بسته شد سود و زیانش  
در فتنه بستن، دهان بستن است.

ناصرخسرو

□

سخن بلاست و خاموشی طلاست.  
سعدی

□

زبان بسیار سر بر باد داده است.

وحشی بافقی

□

بسا سر کز زبان زیر زمین رفت.

نظلی

□

حدیثی معتبر از پیامبر نقل است که «الشعراء امراء الکلام» یعنی شاعران، امیران و پادشاهان سخنند.

از سده‌های اول پس از هجرت تا کنون، آثاری ماندگار و نامیرا شده‌اند که غنای ادبی بیشتری نسبت به دیگر متون دینی و مذهبی داشته‌اند.

در این اشعار و نوشته‌ها، ستایش رسول منحصر به ظاهر ایشان نیست، بلکه زندگی فردی و اجتماعی، محبوبیت او در درگاه پروردگار عالم و نظرگاه عالمیان، رفتار و کردار و منش مهرورزانه ایشان نیز مورد تاکید و اشاره قرار گرفته است.





لاهوری اشاره کرد که در قرن ۱۳ و ۱۴ می زیست و آثارش تأثیری شگرف بر ملت خود و ملل فارسی زبان نهاد. همچنین می توان از شاعران یکی دو سده ی اخیر نام برد که در وصف پیامبر اکرم آثار در خور اعتنا و زیبایی ارائه کرده اند. کسانی چون عمان سامانی، ادیب الممالک فراهانی، نعمت آرم خراسانی و از متأخرین، امیری فیروزکوهی و مهرداد اوستا. البته نامهای ذکر شده تنها شامل بخش اندکی از نویسندگان و شاعران ادب پارسی است. اکثر ایشان حداقل یک شعر زیبا یا مقاله و مطلبی در خور حضرتش سروده و نوشته اند که مجالی برای نام بردن از تمامی آنها نیست.

### ضرورت توجه به پیامبر اعظم ﷺ در آثار شاعران و نویسندگان جوان معاصر

متأسفانه در ادبیات متعهد معاصر، و به ویژه سروده ها و نوشته های جوانان، چنان که باید و شاید، اثری در خور حضرت رسول ﷺ خلق نشده است. گرچه عمده آثار مذهبی جوانان در دهه های اخیر میزان علاقه مندی آنان را به اهل بیت عصمت و طهارت نشان می دهد و این امر مهم اصالتاً مطلوب است، اما از آنجا که اهل بیت (ع) هیچ گاه از پیامبر جدا نبوده اند، غفلت از رسول رحمت آثار و تبعاتی در پی دارد که این غفلت بزرگ بعد از اهانت های مکرر غرب در دهه اخیر، با دست یازیدن به قالبهای ادبی مانند سیاهنامه سلمان رشدی و روزنامه های دانمارکی و حتی سرایت این توهین به قالبهای هنری مانند کاریکاتور بیشتر رخ نمود.

البته به واسطه جنبش دفاعی و عاطفی جوانان پس از این حوادث ناگوار و درک موقعیت جدید، و همچنین تدبیر تحسین برانگیز مقام معظم رهبری در نامگذاری سال جاری به نام سال پیامبر اعظم ﷺ، امید است این غفلت، با خلق آثار ادبی در خور (و نه سست و ضعیف و احساسی) جبران شود.



بسی سر که بریده زبان است  
با یک نقطه، زبان زبان است  
ایرج میرزا

□ تا بماند سر، زبان در بسته به.  
خاقانی

□ فتنه ها در عالم از تیغ زبان پیدا شود.  
حافظ

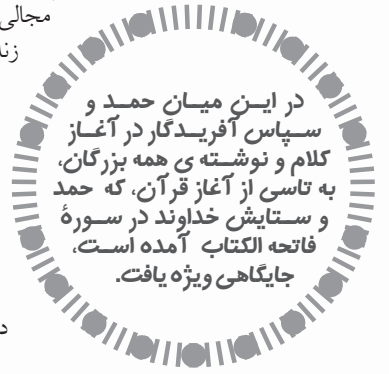
### نخستین سیره رسول الله ﷺ به زبان فارسی

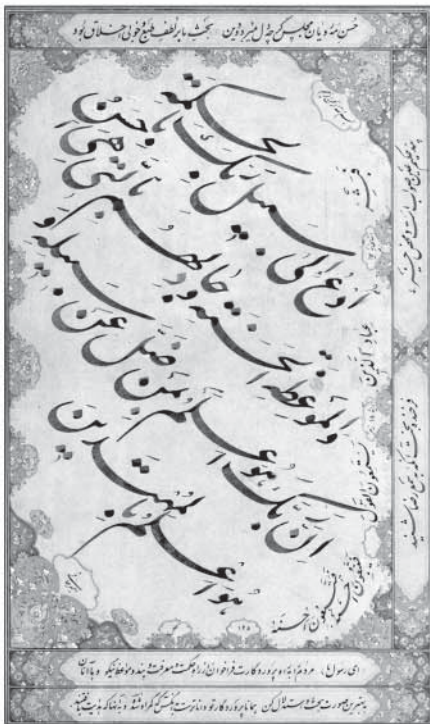
در قرن هفتم نیز گذشته از اشعار و متون منثور شاعرانی چون عطار نیشابوری، سعدی، مولوی و نظامی گنجوی، سیره رسول خدا برای نخستین بار از سیره عربی ابن هشام به فارسی ترجمه شد. مترجم این سیره که آن را به تقلید از ابن هشام، سیرت رسول الله نامید، به احتمال قریب به یقین، یکی از بزرگان فارس، به نام رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی است. در این سیره فارسی سی باب وجود دارد که هر باب در مورد یکی از عناوین مربوط به پیامبر است. به طور مثال، باب اول از نسب پیغمبر از حضرت اسماعیل تا عبدالله و نقل وقایع پیش از تولد حضرت گفته است و باب سی ام، درباره وفات پیامبر و پاره های حوادث پس از آن است.

### پیامبر رحمت در شعر و نثر معاصر

پس از قرن هفتم که دوره فترت زبان و ادبیات فارسی شروع شد، به ناگاه در قرن یازدهم و با به قدرت رسیدن صفویه که دوباره عارفان بزرگ شیعی مجالی برای ظهور و بروز یافتند، کتاب های متعددی در باب زندگی و سیره پیامبر اکرم نگارش یافت. زیرا فضا برای بروز تعلقات مذهبی مردم آماده و فراهم شد و این امر تأثیری مستقیم بر ادبیات آن دوره گذاشت. در نثر به مرور کسانی چون شیخ عباس قمی، نویسنده کتاب با ارزش منتهی الآمال، به نگارش سیره حضرت رسول و پیشوایان معصوم همت گماشتند و آثار متعددی در این باب نگاشته شد.

در شعر فارسی زبانان غیر ایرانی هم طبع خود را در این زمینه آزمودند که از آن میان می توان به علاقه اقبال





### نمونه هایی از نظم و نثر گذشته و معاصر در ستایش رسول اکرم ﷺ

و آخر ایشان در نبوت و اول در مرتبت آسمان حق و آفتاب صدق، سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین... برای عز نبوت و خاتمت رسالت برگزید و به معجزات ظاهر و دلایل واضح مخصوص گردانید... درود و سلام و تحیات و صلوات ایزدی بر ذات معظم و روح مقدس مصطفی و اهل بیت و اصحاب و اتباع و یاران و انشیاع او باد، درودی که امداد آن بر امتداد روزگار متصل باشد و نسیم آن گرد از کلبه عطا برآرد. «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلّموا تسلیما لله.»

دیباچه کلبه و دمنه، ترجمه ابوالمعالی نصر الله منشی

«... پس چون از روی خرد بنگری، بر مردمان واجب است که حق راهنمای خویش را بشناسند و سپاسگزار روزی دهنده خویش باشند و مقام فرشتگان را بشناسند و همه پیامبران را راستگو بدانند، از آدم تا پیامبر ما ﷺ، و در دین فرمانبردار باشند و ...»

قابوسنامه، باب اول در آفرینش و ستایش پیامبر ﷺ، عنصر المعالی میکاؤوس

ای نام تو دستگیر آدم  
وی خلق تو پیامرد عالم  
فراش درت کلیم عمران  
چاووش رهنم مسیح مریم  
از نام محمدیت میمی  
حلقه شده این بلند طارم  
در خدمت انبیا مشرف  
وز حرمت آدمی مکرم  
کونین نواله ای ز جودت  
افلاک طفیلی وجودت

از ترکیب بند جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

تخته اول که الف نقش بست  
بر در مجبویه احمد نشست  
گُنتُ نبیاً چو علم پیش برد  
ختم نبوت به محمد سپرد  
مه که نگین دان زبرجد شده است  
خاتم او مهر محمد شده است  
امی گویا به زبان فصیح  
از الف آدم و میم مسیح  
همچو الف راست به مهر و وفا  
اول و آخر شده بر انبیا  
از مخزن الاسرار نظامی گنجوی

فخر دو جهان خواجه فرخ رخ اسعد  
مولای زمان مهتر صاحب دل امجد  
آن سید مسعود و خداوند مؤید  
پیغمبر محمود ابوالقاسم احمد  
وصفش نتوان گفت به هفتاد مجلد  
این بس که خدا گوید: «ما کان محمد»  
بر منزلت و قدرش بزدان کند اقرار  
از مسمط ادیب الممالک فراهانی

ای سنایی گر همی جوئی ز لطف حق سنا  
عقل را قربان کن اندر بارگاه مصطفی  
سنایی غزنوی

ماه فروماند از جمال محمد  
سرو نباشد به اعتدال محمد  
قدر فلک را کمال و منزلتی نیست  
در نظر قدر باکمال محمد  
وعده دیدار هر کسی به قیامت  
لیله اسرا شب وصال محمد  
آدم و نوح و خلیل و عیسی و موسی  
آمده مجموع در ظلال محمد

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی  
عشق محمد بس است و آل محمد ﷺ  
بوستان سعدی

گفت پیغمبر عداوت از خرد  
بہتر از مہری کہ از جاہل رسد  
«عجلوا الطاعات قبل الفوت» گفت  
مصطفی چون در معنی می بسفت  
پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی است  
مصطفی فرمود: دنیا ساعتی است...

منشوی معنوی مولانا

باور کنیم ملک خدا را که سرمد است  
باور کنیم سکه به نام محمد ﷺ است  
راوی! بخوان به خواندن احمد در اعتلا  
بر بام آسمان، شب معنی شب حرا  
شب ها شبند و قدر، شب عاشقانه هاست  
عالم فسانه، عشق، فسانه ی فسانه هاست

علی معلم دامغانی

این عطر، عطر سلسله رازبانه هاست  
هرشب، شب محمدی عاشقانه هاست  
گلها که وا شدند به بوی تو و اشاند  
بوی تو در محمدی گل بهانه هاست  
علیرضا قزوین

### منابع و مآخذ:

- ۱- روزنامه جام جم، سال ششم، شماره ۱۶۹۲ گفتگو با دکتر علی شیخ الاسلامی رسول خدا و شعر، سید محمود سجادی
- ۲- روزنامه جام جم، سال ششم، شماره ۱۶۹۷، ویژه نامه دیدار، شماره اول، ماه فروماند از جمال محمد ﷺ، عبدالجبار کاکایی
- ۳- ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، انتشارات دلیل ما، چاپ سیزدهم، تابستان ۸۴
- ۴- گزیده شعرهای اقبال لاهوری، مقدمه و انتخاب و شرح لغات از شهرام رجب زاده، انتشارات قدیانی، چاپ اول، ۷۴.
- ۵- دیوان عمان سامانی، مقدمه و تحقیق: محمد جواد مولوی نیا، انتشارات امام عصر (عج)، چاپ اول، ۸۳.
- ۶- کلیات سعدی، بر اساس نسخه محمدعلی فروغی، انتشارات نگاران قلم، چاپ اول، بهار ۸۳
- ۷- قند پارسی، نمونه هایی از نثر فصیح نویسندگان اسلامی، محمد اسفندیاری، انتشارات صحیفه خرد، چاپ دوم، ۸۲
- ۸- بیست و پنج مقاله در نقد کتاب، برگزیده مقاله های مجله نشر دانش، مقاله نخستین سیره پیامبر ﷺ به فارسی، نوشته نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۷۵.
- ۹- قابوسنامه، کارنامه دانشوران ایران و اسلام، بازنویسی غلامرضا مستعلی، موسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۸۰
- ۱۰- برگزیده نظم و نثر فارسی، دکتر مهسندی ماحوزی، انتشارات اساطیر، چاپ دهم، ۷۵.
- ۱۱- گلهایی از گلستان ادب فارسی، رقیه نیساری تبریزی، انتشارات نیکان کتاب، چاپ اول، ۸۰
- ۱۲- فرهنگ آل یاسین در امثال و حکم ایران زمین، غلامرضا حیدری ابهری، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۸۳